

## مسئولیت پذیری در رابطه

هدف از این بحث، ایجاد شناخت و ارائه راهکار در خصوص مسئولیت‌پذیری، ضرورت درک آن در روابط، ذکر مراحل و گام‌های حسی برای پذیرش و مانوس شدن با آن در روابطمان است.

در این مبحث نخست به چیهستی مسئولیت‌پذیری و سپس به چگونگی کارکرد آن در روابط انسان و تلقی او از زندگی و در نهایت روش اکتساب و گسترش این مهم پرداخته شده است.

### مسئولیت‌پذیری

یک مفهوم اصولی، بنیادی و ساختاری است که به جهان‌بینی ما مرتبط است. جهان از اجزائی تشکیل شده که با هم روابطی دارند و براساس نحوه شکل‌گیری و چیدمان این روابط و اجزاء است که ساختار آن شکل می‌گیرد.

یعنی هر ساختار شامل سه بخش است: اجزای تشکیل‌دهنده، رابطه میان اجزاء، ریخت و شکل بهم پیوستن اجزاء  
مثال: یک ساختمان از آجرها، تیرآهن، آهک، گچ، ... و رابطه بین این اجزاء از طریق ملات‌ها، جوش، اتصالات و شکل و نحوه چیدمان مطابق آنچه که از قبل نقشه آن برنامه‌ریزی و طراحی شده، تشکیل شده است.  
بنابراین مسئولیت‌پذیری مدلی از بودن است (بودش) که در رابطه معنا پیدا می‌کند،  
می‌گوییم مسئولیت‌پذیری نسبت به / در قبال / در رابطه با کارم، همسرم.....

پس می‌توان گفت مسئولیت‌پذیری شکلی از برقراری رابطه‌ست که بر اساس درک و فهم فرد مبتنی بر شناخت و نگرشی که از خود، معنا و هدفمندی زندگی داراست، شکل گرفته است.

فرد مسئولیت‌پذیر از جایگاهی که در آن قرار دارد، آگاه است و می‌داند که در هر مرحله از زندگی چه توانمندی‌ها و وظایفی را عهده‌دار است و با چه چالش‌ها و مخاطراتی مواجه است.

هر کسی را وظیفه و عملی است	رشته ای بود و رشته ای تار است
وقت پرواز بال و پر باید	که نه این کار چنگ و منقار است

برای شناخت مفهوم مسئولیت‌پذیری ابتدا می‌خواهیم به چیستی آن بپردازیم.

### مسئولیت‌پذیری چه چیزی هست؟

- ۱) مسئولیت‌پذیری یک ویژگی بالغانه و خودآگاه است، فرد مسئولیت‌پذیر حریم، حق و سهم خودش، نیازهایش، نقاط ضعف، قوت، استعدادهایش (قابلیت) و حساسیت‌هایش را می‌شناسد و در مسیر ارزیابی و شناخت خویش گام برمی‌دارد.
- ۲) فرد مسئولیت‌پذیر آگاه است که زندگی یک بازی هدفمند است، یک بازی قرارمند و برحسب نقشی که در هر زمین بازی می‌پذیرد خود را مکلف و موظف بر انجام تکالیف و وظایف آن جایگاه می‌داند.
- ۳) فرد مسئولیت‌پذیر متعهد است و با توجه به شناختی که از خودش دارد و کسب مهارت‌های مورد نیازش، به حل مسئله می‌پردازد و از عهده اجرای قرارها و قوانین خلاقانه برمی‌آید.
- ۴) فرد مسئولیت‌پذیر در قبال آنچه از او خواسته می‌شود یا با او توافق می‌شود، خود را پاس‌خگو (مسئولیت‌پذیر = Responsible) می‌داند و به واسطه این میزان تعهد و ضمانت به پاس‌خگویی، قابل اتکاء و اعتماد است.

بنابراین مسئولیت‌پذیری مفهومی مبتنی بر شناخت و تجربه‌ست. هرچه درک ما از «زندگی» و دانش و بینش ما از «خودمان» به عنوان تجربه‌کننده زندگی بالاتر برود و در مراقبت و انسجام هر سه لایه جسم، روان و احساس به «تمامیت» برسیم، آنگاه در برابر احساسات، افکار و عملکردمان مسئولانه‌تر اقدام می‌کنیم.

عدم مسئولیت‌پذیری (بی‌تعهدی، بدعهدی، بدقولی، پاسخگو نبودن، وظیفه شناس نبودن، متوقع بودن) پاشنه آشیل زندگی افرادیست که خود را موفق و روبه‌رشد نمی‌دانند و احساس بی‌هودگی، نارضایتی و بی‌ثمر بودن می‌کنند. افسردگی و ناخشنودی و این که بقیه را مسئول رفع نیازهای و ناراحتی‌هایمان بدانیم، نتیجه عدم احساس مسئولیت است.

مولانا وجود آدمی را به درختی تشبیه کرده است که ریشه‌ی آن عهد و پیمان است؛ (اصالت وجود)

این ریشه در صورتی محکم و استوار می‌شود که متعهدانه در خاک در جستجوی آب باشد. او بدقولی و عهدشکنی را مانند ریشه‌ی پوسیده‌ای می‌داند که مانع از ثمر دادن درخت می‌شود.

چون درخت است آدمی و بیخ، عهد	بیخ را تیمار می‌باید به جهد
عهدفاسد، بیخ پوسیده بود	وز شمار و لطف، ببریده بود
مشو غره به علمش، عهد جو	علم چون قشربست و عهدش مغز او

(دفتر پنجم، ص ۶۶۲ ب ۱۱۶۶-۱۱۷۰)

بنابراین مسئولیت‌پذیری بودش و ابزار است که برداشتن قدم‌های استوار، جهت‌مند و برنامه‌پذیر در راستای بقاء (حفظ بودن و هست شدن) و رشد (ارتقاء بودن و کیفیت زیستن) را برای انسان در زندگیش مقدور می‌سازد. حس مسئولیت‌پذیری از نگاه یک ناظر، از جنس ارزشمندی، اقتدار، امنیت‌بخشی، فایده‌رسان بودن، انتخابگری و لذت‌بخشی است. مسئولیت‌پذیری منجر به سازندگی، خلاقیت، گسترش، تغییر و تحول در راستای بهبودی و رضایت‌مندی می‌گردد. مسئولیت‌پذیری و پیش‌قدم شدن در فعالیت‌ها و روابط، ویژگی «رهبران» است.

### مسئولیت‌پذیری چه چیزی نیست؟

در صورتی که شناخت ما از مسئله و همچنین از خودمان به عنوان حل‌کننده مسئله کافی نباشد، مسئولیت‌پذیری را از جنس محدودیت، اجبار، قربانی بودن، بدهکار شدن، گیر افتادن، استثمار شدن، تحت سلطه دیگری واقع شدن و مورد بیگاری قرار گرفتن، می‌دانیم.

بنابراین از این مقایسه متوجه می‌شویم که نگرش و درک ما از مسئولیت‌پذیری چقدر به درک و شناخت ما از زندگی و خودمان (باورها) مرتبط است.

چنانچه زندگی را موهبتی زیبا و فرصتی ارزشمند بدانیم، «مسئولیت» در این نگاه یعنی انتخابی آگاهانه برای گذر از بودن به شدن است که قرار است انسان را از جایگاه «بودن» (Being) «هست شدن» به جایگاه «شدن» (Becoming) رسالت خود را در هستی پیدا کردن و لمس تجربه انسانیت برساند، آنگاه هر لحظه را فرصتی برای کسب تجربه، مهارت و دستاوردهائی در مسیر رشد، شکوفائی و دستیابی به کیفیت بالاتری از زندگی (حس بودن) همراه با لمس شادی، رهائی و عشق می‌دانیم.

حافظ می‌گوید حس مسئولیت است که می‌تواند انسان را از چنگال زمین رها کند و به سوی عالم بالا سوق دهد و البته که برای هریک از اجزای هستی وظیفه‌ای تعریف شده است و مسئولیت انسان به دلیل متفکر و متکلم بودن از سایر موجودات سنگین‌تر است.

آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرعه فال به نام من دیوانه زدند

نکته مهم و حائز اهمیت اینست که مفهوم مسئولیت‌پذیری در رابطه با چیزی (یک فعالیت) یا کسی (یک ارتباط متقابل) معنا پیدا می‌کند یعنی مثلاً می‌گوئیم مسئولیت‌پذیری در قبال کار کردن، درس خواندن، ورزش کردن، ... یا مسئولیت‌پذیری نسبت به پدر و مادر، همسر، فرزند، دوستان....

که این مسئولیت‌ها در سه سطح مطرح می‌شوند:

### ۱- مسئولیت‌پذیری در رابطه با خود

این مسئولیت رسیدن به مرحله "خود شکوفائی" از نگاه مازلو، "تفرد" از نگاه فروید و "به دست آوردن اصالت خود" از نگاه سایر اندیشمندان، تعریف شده است.

شرط مسئولیت‌پذیری در رابطه با خود، داشتن عزت نفس، پرورش لیاقت و بالابردن سطح کفایت است.

یعنی کسی که در رابطه با خودش مسئولیت‌پذیر است نیازها، ضعفها، قابلیت‌ها و خواسته‌هایش را می‌شناسد و برای خودش ارزش قائل است و وجودش را چون بذری آماده رشد و شکوفائی می‌داند که در این راستا هدف و برنامه دارد.

با وقوف به دستاوردها و هزینه‌های هر راهکاری، خودش را انتخابگر و پاسخگو می‌داند و با انتخاب‌هایش به خودش، شأن و اعتبار انسان بودنش آسیب نمی‌رساند. مستقل، فردیت‌یافته و خودساخته است.

یادگیری و کسب مهارت‌ها را دوست دارد و از طریق شناخت و پذیرش ترس‌هایش به مهار و کنترل او ضاع می‌پردازد. گلایه نمی‌کند، غر نمی‌زند. از اشتباه‌ها و شکست‌هایش درس می‌گیرد و در پذیرش کامل با جدیت از نکات و درس‌آموخته‌هایش پلی برای عبور و رسیدن به خودشکوفائی می‌سازد و در این مسیر خود را مستقلاً مسئول افکار، احساسات و رفتار خود می‌داند.

### ۲- مسئولیت‌پذیری در رابطه با دیگری

فرد مسئولیت‌پذیر در رابطه با دیگران، حق و حریم خود و دیگری را می‌شناسد و ملاحظه می‌کند. تعامل سازنده و اثربخش دارد و در نقش‌های تیمی‌اش برنده-برنده، شفاف و قرارمند است. با حفظ قواعد به دیگری آسیب نمی‌رساند و چنانچه ناخواسته آزاری برساند، خطایش را پذیرفته و عذرخواهی می‌کند. وقت‌شناس است. حس‌های ارزشمندی، منفعت، اقتدار، انتخاب‌گری را هم به فرد مقابل و هم در رابطه ایجاد می‌کند. در روابط به جای وابستگی از دل‌بستگی ایمن و همدلی بهره می‌برد و فایده‌رسان و حامی است.

### ۳- مسئولیت‌پذیری در رابطه با جهان هستی

فردی که در قبال جهان هستی خود را مسئول می‌داند بر این اصل بنیادین در طبیعت واقف است که در ازای هر آنچه کشت می‌کند، درو می‌کند (کاشت و برداشت) و در ازای هر آنچه دریافت می‌کند لازماً چیزی ببخشد (عمل و عکس‌العمل)، هر آنچه به تو داده می‌شود در برابر آن دینی داری و مسئولی، تعادل طبیعت در همین تبادل است همانطور که در هر تنفس اکسیژن می‌گیری و دی‌اکسید کربن می‌دهی و مانند اینها.

و این بینش که فرد خود را سلولی از ابرپیکره هستی بداند او را قادر خواهد کرد که با هستی تعاملی سازنده، افزایش دهد، یکپارچه و هماهنگ برقرار کند.

و در ازای نعمت حیات و هر آنچه از هستی بهره برده است خود را ملزم می‌داند تا جهان را بهتر از آنچه تحویل گرفته، تحویل بدهد، به همین دلیل سپاسگزار است و آفرینش را نتیجه عشق می‌داند و خودش را مسئولانه جزئی از هستی، محافظ هستی و در صلح و رقص با هستی می‌داند.

یعنی فرد مسئولیت‌پذیر در بالاترین سطح بلوغ و شکوفائی خود آزادی، شادی و عشق را تجربه می‌کند و شاید بتوان گفت مسئولیت بشر رسیدن به درک همین حس خلاقیت (شکوفائی)، شادی و عشق است.

تا اینجا از طریق شناخت فضای مسئولیت‌پذیری در روابط و توصیف فرد مسئولیت‌پذیر به گام نخست رشد حسی یعنی "درست است" رسیدیم. مراحل رشد حسی عبارتند از:

۱- مسئولیت‌پذیر بودن درست است. (از نظر عقلی) {مرحله شناخت}

۲- مسئولیت‌پذیری شدنی است. (پذیرش حسی) {مرحله مشاهده}

۳- مسئولیت‌پذیری خوب است. (لذتبخش، اختیاردهنده، مفید، امن و قابل تأیید) {مرحله تجربه}

۴- مسئولیت‌پذیری روال عادی و طبیعی زندگی می‌شود. {مرحله اهلی شدن}

و در نهایت به کمک طی مراحل رشد حسی هر فردی قادر است در تجارب متعدد و تعریف مسئولیت‌های کوچک با برداشتن گام‌های مستمر و قدرتمند به فردی مسئول، خودآگاه و هوشمند همراه با حس اقتدار و انتخابگر برسد.

پیمودن این گام‌ها از طریق خودآگاهی به درون و ذهن خویش از طریق کشف مکالمات (زبان) و باورهای غیر سازنده و تبدیل آنها به مکالمات سازنده و اثربخش انجام می‌شود و از بیرون هم خودآگاهی بر رفتار و مطالعه زندگی افراد مسئولیت‌پذیر و خلاق به عنوان الگو، بسیار موثر و آموزنده خواهد بود.

افرادی که احساس مسئولیت در آنها نهادینه شده است به ابزار، نگرش‌ها و منابعی که برای ارزیابی مؤثر موقعیت‌ها نیاز دارند، مجهز هستند و به انتخاب‌هایی دست می‌زنند که برای خود و اطرافیان‌شان مناسب است و در مسیر رشد سریع‌تر و راحت‌تر گام برمی‌دارند.

هوسرل بنیانگذار پدیدارشناسی معتقد است: بسیاری از مشکلات بشر از نوع سوال پرسیدن او شروع می‌شود.

چرا آدم موفق نیستیم؟ چرا در روابطم شکست می‌خورم؟

و نتیجه افتادن در گرداب "چرا درد" و جستجوی تجارب گذشته در ذهن و درگیر حس قربانی شدن و دنبال مقصر گشتن می‌شود.

در صورتیکه چنانچه ادبیات شرح مسئله و طرح سوال تبدیل شود به اینکه :

چگونه فرد موفق بشوم؟ موفقیت برای من چگونه معنی پیدا می‌کند؟ چطور و از چه روشی می‌توانم روابطم را بهبود ببخشم و حس برنده-برنده بودن را تجربه کنم؟

اینجاست که ذهن به سمت پاسخگری و حل مسئله سوق پیدا می‌کند. که البته حتما در پس این پاسخگری فرد متمایل به جستجو، کسب مهارت و تقویت مسئولیت‌پذیری می‌گردد.

افسانه صیدی

۱۳۹۹/۱/۲۴